

یادداشتی از مهرداد صدرنفسی؛

نقدی بر چهار فیلم کوتاه

چهار فیلم منتشر شده در اختتامیه هفته فیلم و عکس شیراز به نقد گذاشته شد.

به گزارش خبر، مهرداد صدرنفسی در یادداشت ارسالی با موضوع "نقدی بر چهار فیلم کوتاه" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛ دیروز طی اختتامیه هفته فیلم و عکس شیراز چهار اثر ماسک، کپسول، گناه و پیش از بهشت به نمایش درآمد.

اثر اول فیلم کوتاه ماسک به کارگردانی نوا رضوانی بود. فیلمی که آگاهانه مالکیت زن توسط دیگری را نقد می‌کند. فیلم ماسک حق تصمیم‌گیری زن برای زیبایی‌های خود را به روشی امروزی تر آمیخته و تا حدودی در انتقال این مفهوم موفق بوده است. بازیگر نقش اصلی فیلم به خوبی از پس کاراکتری که آگاهانه برای دلخواه دیگری خود را می‌آراید، بر آمده است. کاراکتر دختر آنقدر خود را ذوب جلب نگاه دوست پسر خود می‌کند که حتی با در اختیار قرار دادن پول خویش، گویی به او باج می‌دهد. او هزینه می‌کند تا در نگاه تنگ او دیده شود. فیلم دارای ایراداتی نیز است. یکی از این ایرادات ناتوانی کارگردان در بازی گرفتن از بازیگر مرد فیلم است. چرا که کاملاً منفعلانه نقش خویش را ایفا می‌کند. دیگر ایراد وارد بر فیلم استفاده از سکانس‌ها و یا پلان‌هایی در فیلم است که شاید با حذف آنان هیچ‌خدشه‌ای به محتوای اثر ارائه نشود. به صورت کلی ماسک اثر خوبی است که می‌شد بهتر به آن پرداخت.

فیلم دوم اثری به نام کپسول با کارگردانی پذیرفته بود. اثری که به خوبی دردهای پسری را نشان می‌دهد که عاشق فوتبال است. در این فیلم کارگردان به خوبی توانسته محتوای مدنظر را منتقل کند. بازیگران به خوبی توانستند از پس بازی خود برآیند. کاراکتر پدر در فیلم به خوبی خشم خویش را چه در چهره و چه در نوع بازی خود ارائه می‌کند. همچنین بازیگر زن فیلم به خوبی کاراکتر مادری حمایتگر را ارائه می‌کند. اما سوالاتی از قبیل سوالات زیر در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد: چرا کپسول؟ چرا کاراکتر پدر کپسول‌ها را در زمین فوتبال خالی می‌کند؟ چرا اینقدر نویسنده و کارگردان اثر روی سوژه کپسول در فیلم تاکید می‌کند؟ این‌ها بخشی از چیزی است که تماشاگر در طول فیلم با آن مواجه می‌شود و تا پایان صبر می‌کند، اما برای هیچ پاسخی نمی‌یابد.

فیلم سوم اثری درخور به نام گناه با کارگردانی ابوالفضل عزیزبوی بود، که به زبان ترکی ساخته شده است. فیلم برشی کوتاه از مصیبتی را روایت می‌کند که دو خانواده درگیر، آخرین شب آن را تحمل می‌کنند. فیلم گناه را می‌توان بهترین اثر بین چهار اثر به نمایش درآمده دانست.

صحنه ابتدایی فیلم هشدار پنچر بودن لاستیک توسط ماشین‌های دیگر است، که در غروب می‌گذرد. صحنه‌ای که اگر آن را مستقیماً به انتهای فیلم متصل کنیم فقط شاهد گذر زمان از غروب به شب و همچنین گریه زن هستیم. گویی احوال کاراکتر همسر مرد مجرم در میان این دو سکانس خلاصه می‌شود. با نمایش پنچر بودن لاستیک مخاطب متوجه می‌شود کاراکتر همسر مرد مجرم راهی مسیری است که به سختی به مقصد آن رسیده؛ اما نتیجه‌ی این رنج مسیر (با توجه به انتهای فیلم که زن درگیر رفع پنچری ماشین است) چندان قابل قبول برای زن نیست. با کنار هم قرار دادن سکانس ابتدایی فیلم و انتهای آن در می‌یابیم راه پیمودن برای زن هموار می‌شود، اما با پای لنگان. در واقع گشایشی در زندگی فردی اتفاق افتاده که در عین مطبوع بودن؛ اما صغیر روزگاری سخت را برای زن می‌دهد. در این اثر بازیگران به خوبی از عهده ایفای نقش خود برآمده‌اند و دوربین به خوبی قصه فیلم را در هرکجا لازم است نگاه می‌دارد. گاهی با اینکه دیالوگ‌ها در حیات می‌گذرد همچنان دوربین داخل خانه است. چرا که فیلمساز در این لحظات می‌خواهد تماشاگر با او در خانه بماند. فیلم دارای پلان‌هایی بسیار کارآمد است که حتی اگر دیالوگی گفته نمی‌شد، به خوبی می‌توانستند بخش عمده‌ای از محتوا را منتقل کنند. اما نویسنده اثر با استفاده از دیالوگ‌های ترکی، زیبایی قاب‌ها را دوچندان کرده است. به عنوان مثال در سکانسی از خانه، دختر شاکلی روبروی همسر مرد مجرم نشسته است و در این لحظات همسر مرد مجرم از پشت شیشه در نشان داده می‌شود. این در حالی است که دختر شاکلی را بدون هیچ پرده و مانعی نمایان است. در واقع با این قاب بندی کارگردان سعی داشته ابهام را در صحبت‌های همسر مرد مجرم نشان دهد. در آخر قصه کارگردان به خوبی درام شدن قصه را در تضادی عجیب نشان می‌دهد. در واقع تضاد آنجاست که همسر مرد مجرم جای اینکه از آزادی و بخشش همسر خویش خوشحال باشد، بسیار ناراحت است و گریه می‌کند، چرا که با این آزادی ناخوشایند فرزندش از دامان او جدا می‌شود.

اثر چهارمی که به نمایش درآمد انیمیشنی با نام پیش از بهشت به کارگردانی امیر حیدریان بود. اثری که به تاراج رفتن کاشانه و تلاش برای بقا را در قالب نقاشی‌های به جا مانده از دوران خوشبختی، روی دیوار نمایش می‌دهد. انیمیشن پیش از بهشت در انتقال مفهوم اصلی خود تا حدود زیادی عقیم می‌ماند. چرا که تماشاگر تا پیش از پایان قصه شاهد قصه‌ای دیگر است اما با پایانی نه چندان شکوهمند مواجه می‌شود. به صورت کلی اگر پایان اثر را در جمع بندی‌های خود دخیل ندانیم انیمیشن پیش از بهشت اثری زیباست.